

کار مشترک  
نشریات «صراط» و «صریر»  
دانشگاه فرهنگیان استان  
مهرماه ۹۹

# حُریت دیدار



**من ایرانم و تو عراقی  
چه عراقی! چه عراقی!**

شماره ویژه اربعین ۹۹



## اربعین سیاسی

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست/ این چه شمعی ست که جان‌ها همه پروانه اوست.

اربعین حسینی چهلمین روز شهادت سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است که مصادف شده با بیستم ماه صفر.

مشهور است که اسیران کربلا روز بیستم صفر سال ۶۱ قمری در بازگشت از شام برای زیارت مدفن امام حسین(ع) به کربلا رفتند. اهمیت این روز به این دلیل است که طبق نقل‌های تاریخی جابرین عبدالله انصاری در این روز به عنوان اولین زائر بر سر مزار امام حسین(ع) حاضر شده است او به عنوان همراه عطیه عوفی به کربلا آمد و قبر امام حسین(ع) را زیارت کرد. راهپیمایی اربعین شیعیان به سوی کربلا به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین مراسم عزاداری شیعیان جهان مبدل گشته و در زمره بهترین و بزرگترین اجتماعات مذهبی جهان قرار گرفته است.

اجتماع بزرگ و کم نظیر مردم در روز اربعین در کنار مرقد شریف امام حسین(ع) پدیده‌ای شگفت آور و شکوهمند است و هرگاه دشمنان اهل بیت در صدد منع شیعیان از حضور در این مراسم برآمدند، نه تنها از شمار زائران کاسته نشده بلکه بر آنها بسیار افزوده شده است. امام حسین با فداکاری و جان‌فشانی خود برای مستضعفان اشک و عبرت را در کنار هم به یادگار نهاد تا با این دو سلاح در برابر دشمنان بایستند و آنها را از ظلم و ستم در حق بی‌گناهان و مستضعفان باز دارند. امام حسین(ع) با فداکاری و جان‌فشانی خود حقایق بسیاری را جاودانه ساخت که دو مورد آن راکه به حیات امت اسلامی ربط دارد و بر عهده دو گروه وسیع مستضعفان و انقلابیون مجاهد قرار گرفته است را متذکر می‌شویم:

۱. غم و اندوهی است که در واکنش به مصائب وارد شده بر امام حسین و اهل بیت و اصحابش نشان داده میشود.
۲. مبارزه قهرمانانه و شهادت طلبانه‌ای است که امام و یاران اندک ایشان در راه رسیدن به اهداف والای خود به نمایش گذاشتند.

این دو مورد برای مستضعفین، انقلابیون و مبارزین مایه ی اشک و اندوه و نشانگر راه آزادی در طول تاریخ به ویژه برای آنان که به امام حسین علیه السلام همچون الگو و مقتدا باور داشتند سرمشق درس آموز و اسباب آگاهی و تنبیه شد و اینک همان مردم شفیفته و عاشق اندکه رو به سوی دوبارگاه شریف دارند و در فاصله حرمین پابرهنه می‌روند تا نشان دهند که در راه امام و نهضتش آمادگی حرکتی در آنهاست و هرگز از پای نمی‌ایستند.

حضرت امام خمینی به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاگردان مکتب عاشورا و اربعین با دریافتی صحیح از مکتب حسینی بنای انقلابی را معماری نمود که با سرنگونی طاغوت عصر به استقرار حکومت اسلامی منطبق بر معارف والای قرآن و عترت انجامید. باگذری در اعلامیه هاو سخنرانی‌های روشنگرانه آن رهبر در طول مبارزه می توان دریافت که ایشان جای جای

نهضت خویش را به مکتب سرخ عاشورا و اربعین گره زده وعینیت سخنان و نامه های امام حسین در مجموعه گفتارها و نوشتارهای امام در طول نهضت کاملا ملموس است حضرت امام خمینی در بحبویه نهضت اسلامی با فرا رسیدن اربعین ودرمقطع حساس روزهای پایانی دیماه ۵۷ با روی کار آمدن دولت بختیار این رخداد بزرگ تاریخ اسلام را وقت شلیک تیر خلاص به قلب فاسد یزیدیان زمان قرار دادند و در ۲۵ دی ۵۷ با صدور پیام مهمی از نوفل لوشاتو خطاب به مردم ایران آنان را به راهپیمایی گسترده بر علیه حکومت فاسد پهلوی دعوت نمودند. حضرت امام در تحلیل دیگری در جمع اقشار مختلف مردم در روز ۲۵ آذر سال ۶۰ مناسبت‌هایی نظیر عاشورا و اربعین را باعث تقویت انگیزه وحدت بر می‌شمارند و بر پرهیز مسلمانان از تفرقه تاکید دارند.

گفته می‌شود که حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران در سرنگونی رژیم سلطنتی و استقرار نظام جمهوری اسلامی متأثر از قیام امام حسین و فرهنگ عاشورا و اربعین است و حفظ و تداوم انقلاب نیز در گرو حرکت در این چارچوب است. هدف و انگیزه مردم ایران از انقلاب اسلامی نابودی ظلم استبداد و استکبار و برپایی حکومت عدل الهی و اجرای احکام اسلامی به عنوان معروف و جلوگیری از وابستگی به اجانب و بیگانگان به‌عنوان منکر بود که با وجود رهبری حسین گونه امام خمینی به وقوع پیوست. اینها همان انگیزه و هدف امام حسین(ع) از قیام عاشورا و اربعین حسینی بود.

پیاده روی اربعین تأثیرات مهمی در خیزش و سازماندهی بیداری اسلامی می‌تواند داشته باشد. در زیارت و پیاده روی اربعین بیش از ۲۰ میلیون نفر شرکت می‌کنند که این حماسه اسلام راستین، حماسه تقرب و حماسه بقای اسلام است و بیداری کشورهای اسلامی و مقاومت جهان اسلام را تضمین می‌کند. این را به خاطر داشته باشیم که تمدن اسلامی از گذرگاه اربعین می‌گذرد جریان اربعین حسینی دستاوردی الهی و در مسیر و بستر سازی تمدنی الهی است این همایش عظیم الهی ظرفیتی است که به مرور زمان باعث پیوند و اتحاد ملت های دنیا با هر نژاد و مذهب و قومیتی می‌شود. مطالعه ماجرای انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی و اربعین از منظر تحول قلوب و احیای قلوب به واسطه استقرار ایمان در قلب عالم ضمن آنکه به انسان نگرشی توحیدی می دهد رفتارش را در قبال سایر آیات و نشانه‌های الهی اصلاح می‌کند و سعی او سمت و سویی الهی و تمدنی می‌گیرد. باید دانست پیاده روی اربعین نماد بصیرت و قله بیداری اسلامی است اما آنچه ما دانشجویان باید بدانیم این است که پیگیری ابعاد فرهنگی و اثرگذاری اربعین و ایفای نقش دانشجویان در دانشگاه ها لازمه حرکت اربعین است. اربعین رسانه فرهنگ عاشورا است و ما دانشجویان باید در زنده نگه داشتن آن اهتمام ویژه داشته باشیم.

**امیرمحمدجعفری**

به نام خداوند لوح و قلم  
حقیقت نگار وجود و عدم  
هواسرد بود،...۱،۲،۳... فقط ۷روز تا اربعین مونده قسمت نشده تا حالا نشده از نزدیک برم حرم، از این صبر واشتیاق به دیدن حرم لذت می‌بردم اما وقتی به این فکر میکردم که چرا هنوز نتونستم برم حرم اه میکشیدم اما همیشه این لحظه شاعر انگار تو کوچه خیال من بیکار نشسته بود ومنتظر بود تا بگه :

دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد  
ابری که بر بیابان بر تشنه‌ای بیبارد  
به راه رفتن ادامه دادم سر چهار راه بیلپورد رو دیدم  
مضمونش این بود.

بوی سیب حرم از سمتِ سحر می آید  
قطع این فاصله از دستِ تو بر می آید  
در ادامه نوشته بود اربعین امسال متفاوت‌تر از

میری میخوای همراهم بیای؟!  
سرم رو به نشونه تایید تکون دادم ناگهان برگشت به صورتم نگاه کرد و گفت تصدقت بشم مادر جون من هر سال نذر دارم ۴۰روز ازاول محرم میام امامزاده، پسر شهیدم تو امامزاده دفن شده پاهام درد میکنه نمیتونم برم کربلا. تا گفت کربلا چشمام گرد شد، بی اختیار زدم زیر گریه فقط گفتم ک... ر...ب... ل...؟! قلبم هرلحظه بیشتر از این درد می‌گرفت که من فقط نتونستم حرم رو ببینم، حسرت....

«حسرت کرب و بلایت می‌کشد آخر مرا  
حسرت شش گوشه و صحن و سرایت بیشتر  
کاش باشی وقت جان دادن تو بر بالین من  
می‌شوم آن روز محتاج دعایت بیشتر»  
دوست داشتم قبر پسر شهید اون خانم رو ببینم من هم، از دلتنگی و حسرت حرم بگم انگار واسطه ای



نمیتونستم به زبون بیارم بوی سیب رو حس میکردم چه حال و هوای خوبی فقط خوشحال بودم حسی که نمیتونم بگم دستمو به دیوار گرفتم و بلند شدم به سمت حرم دیدم تنها بودم اما نترسیدم شب بود... تاریخ تاریک در رو باز کردم فقط یه قبر دیدم کنارش نشستم آرامش داشتم نفس عمیقی کشیدم داشتم حرف میزدم ناگهان صدایی اومد صدای مادرم بود دخترم زیر بارون خیس اب شدی! خواب رفتی؟! خواب بودم اما تک تک لحظه هاشو حس کردم هنوزم تو اون لحظه ها زندگی میکنم...

**مهديه کيان آرا**

داشتم که به خدا بگم به حرمت این فرد هزار من بیام حرم، یکی از خادم ها رو دیدم ازش سراغ قبر شهید رو گرفتم تعجب کرد! گفت از قبر شهید خبری نداره وقتی داستان رو کامل تعریف کردم رفت تا از خادمی که لباس بیشتری پاره کرده بود پیرسه خادم پیر نزدیک شد نگاه عمیقی بهم انداخت انگار که منتظر من باشه گفت همراهم بیا.. رفتم... حساب ساعت از دستم در رفته بود گوشیم زنگ خورد مادرم بود نگران و سراسیمه : «معلومه کجایی؟» بلندشدم به سمت خونه رفتم، زیر آسمون نشستم مطمئن بودم این بار خبری هست که منو تا امامزاده





در این کتاب که به واقعه کربلا به گونه‌ای متفاوت نگریسته شده است، از زاویه جدیدی به اتفاقاتی که پیش روی امام حسین علیه السلام افتاده است می‌نگرد و با دیدی متفاوت حوادث آن را روایت می‌کند همین امر سبب می‌شود که هر خواننده‌ای را مجذوب خود کند.

نویسنده در این کتاب علاوه بر روایت داستان کربلا تحت تاثیر ارادت خود، این حوادث را به زیبایی و در قالب جملات زیبایی تأمل‌برانگیزی آورده که ذهن خوانندگان را به تکاپوی تصویرگری این وقایع به وسعت تاریخ و به شیرینی هرچه تمام‌تر که در دل جای می‌گیرد می‌اندازد. و همینطور در متن کتاب نیز از احادیث و آیات متعددی استفاده شده است.

این کتاب از دو بخش در هم تنیده شکل گرفته است یک بخش شرح وقایع پیش آمده از رجب سال ۶۰ تا محرم سال ۶۱ هجری و شهادت امام حسین (ع) و باران با وفای ایشان است و بخش دیگر که از زبان راوی و در تحلیل همان وقایع است.

داشتن دیدی عاشقانه و به قلم آوردن دیده‌ها توسط شهید مرتضی آوینی ما را به سمت خواندن آثار گرانبهای ایشان روانه می‌کند.

## یک فنجان کتاب

# معرفی کتاب فتح خون

اثر شهید سیدمرتضی آوینی



تدوین: فاطمه مرحمتی

**گزیده‌ای از کتاب:**  
آه از رنجی که در این گفته نهفته است!  
و اما سرالاسرار این خطبه در این عبارت است که «لیرغب المومن فی لقاء ربه ... تا مومن به لقای خدا مشتاق شود» یعنی دهر بر مراد سفلگان می‌چرخد تا تو در کشاکش بلا امتحان شوی و این ابتلائات نیز پیوسته می‌رسد تا رغبت تو در لقای خدا افزون شود...  
پس ای دل، شتاب کن تا خود را به کربلا برسانیم! می‌گویی: مگر سر امام عشق را بر نیزه ندیده‌ای و مگر بوی خون را نمیشنوی؟ کار از کار گذشته است. قرن‌هاست که کار از کار گذشته است... اما ای دل، نیک بنگر که زبان رمز، چه رازی را با تو باز می‌گوید: کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا. یعنی اگرچه قبله در کعبه است، اما فایمنا تولوا فتم وجه الله یعنی هر جا که بیکر صد پاره تو بر زمین افتد، آن جا کربلاست، نه به اعتبار لفظ و استعاره که در حقیقت، و هرگاه که علم قیام تو بلند شود عاشورا است باز هم نه به اعتبار لفظ و استعاره. و اگر آن قافله را قافله عشق خواندیم در سفر تاریخ، یعنی همین.

از اربعین، پیاده روی اربعین و آن اجتماع بزرگ که حرف به میان می‌آید، حس و حال خوب و خاطرات خوش است که بر زبان‌ها جاری می‌شود. از فرزندی که مادرش را به دوش گرفته و سمت کربلا می‌رود، پیرمردی که تمام دارایی‌اش را در دیسی چیده و کام مردم را با رطب شیرین می‌کند. دیگری که واکس را برداشته و گویی در اصل غبار از دل خود بر می‌دارد، غبار کفش زائران، وسیله است...  
بچه‌ها در گرمای تابستان دوش به دوش پدران و مادرانشان عرق می‌ریزند و خادمی می‌کنند.  
در موبک مادری خواب است، بچه‌اش بیدار شده و گریه می‌کند و مادر از فرط خستگی بیدار نمی‌شود، فرد کناری‌اش که حتی هم شهری که هیچ، هم زبان هم نیستند، بچه را ساکت می‌کند تا مادرش بخوابد، زائران کمی نزدیک به هم می‌خوانند تا زائران بیشتری در موبک جا شوند... همه‌ی این‌ها را از همان آدمهایی دیدیم که شاید در روزمرگی‌هایشان از دست هم کلافه و عصبانی می‌شوند. خستگی، تنهایی و ناراحتی همدیگر را نمی‌بینند و گویا سخن خدا در قرآن که می‌فرمایند: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ** را فراموش می‌کنند.  
چه چیز جز بعد تربیتی اربعین می‌تواند ما را اینگونه تغییر دهد! ما شاید خودمان هم غافل بودیم ولی ناخود آگاه در دانشگاه تربیت حسین (ع) وارد شدیم، شاید بگویید تربیت اربعین منحصر به افرادی است که پا در مسیر پیاده روی گذاشته‌اند... باید بگوییم نه، اینطور نیست، جامانده‌ها هم در دانشگاه اربعین درس تربیت را پاس می‌کنند. زائری را می‌فرستند، هوای خانواده‌هایی که بزرگترشان به سفر رفته است را دارند، قیامت می‌کنند برای از سفر برگشته‌ها...  
اربعین هم مثل هزاران رویداد دیگری که تاریخ، برای تربیت ما در دل خود جای داده، پیش از به دنیا آمدن ما با سختی‌های زیادی رقم خورده است، بیایید متری این مکتب باشیم...

# مکتب عاشورا بزرگ‌ترین دانشگاه جهان

مریم‌السادات پورمسجدی میبیدی



## تشنه دیدار

میثم حق پرست:

حس و حال خاصی بود، معجونی پر از لذت‌های ناب معنوی، هر قسمت این سفر لذت خاص خودش را داشت، لذتهایی که خوشی‌های مادی در برابر آن احساس حقارت می‌کنند. عشق و صفای عزیزی که در مسیر به زوار خدمت می‌کردند. شوری که خودآگاهانه و ناخودآگاهانه در مسیر پیاده‌روی داشتی تا به کربلا برسی، رسیدن به کربلا با سر و وضع نیمه‌خاکی و کوله‌بار و رفتن به زیارت امام حسین و حضرت ابوالفضل علیهما السلام، هر کدام حس وصف ناپذیر خودش را داشت. امسال محرومیت از این لذت‌های معنوی سخت است، لذتهایی که با یکبار چشیدنش وابستگی خاص و شدیدی به آنها پیدا می‌کنی. کسانی که حتی یکبار پیاده روی رفته باشند حرف مرا می‌فهمند، یکبار که بروی دیگر دلت شکار می‌شود و دوست ندارد که برگردد. شاید این محرومیت باعث شود که بیشتر قدر این نعمت را بدانیم. شاید این مسیر بسته شده تا ما تشنه‌تر و عاشق‌تر شویم.

## آخرین شهید کربلا

فاضله نوری:

کتاب را باز می‌کنم و آرام ورق می‌زنم. می‌دانم یکی از صفحات سمت چپ کتاب است و یک بخش از صفحه علامت خورده اما شماره‌ی صفحه را به یاد نمی‌آورم... تا آخر می‌روم و باز می‌گردم از اول، بالاخره پیدایش می‌کنم. گوشه‌ی صفحه اینگونه نوشته‌ام: «اصحاب حسین است دیگر:» حیرت دارد؟! اصحاب حسین است دیگر...: همان یاری که شب عاشورا قرار گذاشته بود بی حسین(ع) زنده نباشد و خوب فهمیده بود که دنیای بی حسین(ع) معنا و مفهومی ندارد. در میدان جنگ بود و از شدت جراحت بر زمین افتاده بود، دشمن گمان می‌کرد کارش تمام است و رهاش کرده بود که ناگهان فریادی از سوی دشمنان به گوشش خورد: «حسین کشته شد.» با هر زحمتی بود از جا بلند شد و چاقویی که پنهان کرده بود را بیرون آورد و به مبارزه پرداخت، تا زمانی که به جمع شهدای کربلا پیوست. آری! سُوید بن عمر بن ابی مُطاع آخرین نفر از اصحاب امام حسین(ع) بود که به میدان جنگ رفت و پس از شهادت اربابش به شهادت رسید و لقب آخرین شهید کربلا را به نام خود زد.

## حسرت دیدار

حسین غلامزاده:

همه رفتند و دل بی سر و پا جا مانده از هوای حرم کرب و بلا جا مانده به گمانم که میان همه زائرها فقط امضای برات دل ما جا مانده این روزها حال یک کربلا نرفته را فقط کربلا نرفته‌ها درک می‌کنند! آنهایی که اربابمان گوشه چشمی بهشان نظر کرده و دیده سر به جمال بهشت خدا بر روی زمین روشن کرده‌اند، (حتی برای یکبار) خاطراتش را مرحمی بر دل های سوخته‌شان از فراق این روزها می‌کنند اما آنکه از این ضیافت هر ساله چیزی روزی اش نشده، هر شب و روز و هر لحظه گوشه دلش احساس شرمندگی می‌کند! توصیفش سخت است... احساسی از جنس کمبود... احساسی که خاطرات دوستان، آشنایان و حتی مردم عادی کوچه و بازار، احساسی که دلنوشته‌های این روزهای افراد در فضای مجازی و یا حتی احساسی که گاهی عشق بازی مداح با نوحه معروف «خوشبختی یعنی یه عکس تو بین الحرمین داری، خوشحالی...» در مجلس روضه ارباب و غیره و غیره همگی چون نمکی می‌شود بر زخمهای این دل‌های سوخته از فراق... نوش جاننش بشود هر که حرم رفت حسین من به جا ماندن از این قافله عادت کردم...



### حسرت دیدار

کار مشترک  
نشریات صراط و صریر  
دانشگاه فرهنگیان استان

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه‌های فرهنگیان  
شهید پاکنژاد و فاطمه زهرا یزد  
مدیر مسئول: محمد حسین رامش جان / الهه قربانی  
سردبیر: محمد تقی بدرالدین / فاضله نوری  
با تشکر ویژه از: مریم السادات پور مسجدی و فاطمه رضایی

و با تشکر از:  
سرپرست پردیس‌های استانی و  
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و  
امور فرهنگی پردیس شهیدان پاکنژاد یزد

@serat\_cfu  
serat.cfu@gmail.com